

گزارشی از محله ارامنه تهران

زندگی زیر سقفهای لوزان

بافت فرسوده تعریف دارد. مشخصاتی مثل سخت و گاه ناممکن بودن عبور ماشین‌ها و نفوذناپذیری و ریزدانه بودن لازم است تا به محله‌ای بافت فرسوده اطلاق شود و ساختمانی فرسوده به حساب آید. صفحه ۴



- یکشنبه
- ۱۹ بهمن ۱۳۹۹
- سال شانزدهم / شماره ۷۹۰
- ۱۶ صفحه



دیدار با گروهی از زنان محله شیخ هادی که برای بهبود کیفیت زندگی و حل و فصل مشکلات اهالی تلاش می‌کنند

سه‌شنبه‌های گره‌گشا

صفحه ۸

خاطرات یک هم‌محله‌ای مبارز
از خیزش مردمی در روزهای انقلاب

حکم تیر مرا داده بودند

انقلاب ۵۷ و مبارزات مردمی برای این پیروزی بزرگ، یکی از ماندگارترین رویدادهای سیاسی ایران در عصر حاضر است. انقلابی که بنیاد آن با جسارت و پشتکار مردم کوچه و خیابان جان گرفت. مردمی که برای کسب آزادی اندیشه، رفاه و زندگی بهتر دست از جان و مال شستند...

صفحه ۶

گفت‌وگو با نویسنده کتاب «جذبہ مشرقی»
که به‌تازگی در فرهنگسرای خانواده رونمایی شد

اسلام از چشم نومسلمانان

چطور انسان می‌تواند از دین خود دست بردارد و آن را تغییر دهد؟ چه چیزی مشاهده می‌کند که تصمیم می‌گیرد دین خود را تغییر دهد؟! صفحه ۱۵

۱۸۱۹
جهت کسب اطلاعات بیشتر و سفارش آگهی
با نزدیکترین دفتر قبول آگهی تماس بگیرید
شرح در صفحه ۳

با تبلیغات در
درست به هدف برزید



گزارشی از محله
ارامنه تهران

زندگی زیر سقف‌های لرزان

شقایق عرفی نژاد



می‌گرفتند، اما حالا ۳ سال است که چنین طرح‌هایی هم متوقف شده‌اند: «تسهیلگران شهرداری در واقع به مشکل مالی برخورداند. پیش از این، بودجه‌هایی برای این کار داشتند که دیگر ندارند.»

او از کوچه‌های تنگ و باریک محله می‌گوید و اینکه برای رفت‌وآمد ماشین‌های خدماتی شهرداری و آمبولانس مشکل جدی ایجاد می‌کنند: «این یکی از بزرگ‌ترین مشکلات بافت فرسوده است. به دلیل همین کوچه‌های باریک که حتی با نوسازی و عقب‌نشینی یک خانه می‌تواند عریض‌تر شسوند، بهداشت محله به خطر افتاده است.» او می‌گوید: «خانه‌ها و محله در اثر همین بافت فرسوده زشت شده‌اند. بعضی خانه‌ها فرسوده‌اند، مثل خانه خودم که متعلق به ۶۰ سال پیش است. اما از نظر استحکام و ظاهر و نما مشکل ندارند، ولی خانه‌ها و منازل‌هایی هم هستند که واقعا وضعیت بدی دارند و باید نوسازی شوند.» او آمار دقیقی از این خانه‌های فرسوده ندارد، ولی می‌گوید در هر کوچه دست‌کم ۲ خانه در چنین وضعیتی هستند. کارگر شریف‌آباد از مهاجرانی می‌گوید که از

کوهدشت در کردستان به تهران و این محله آمده‌اند و در خانه‌های کوچک و فرسوده با وضعیت بد زندگی می‌کنند. همین‌طور از ساکنان بازنشسته می‌گوید: «بخش زیادی از ساکنان محله و خانه‌های فرسوده افراد مسنی هستند که نمی‌توانند موقعیتشان را تغییر بدهند. گاه در این خانه‌های ۸۰ متری ۲ خانواده کنار هم زندگی می‌کنند و اگر بخواهند آن را بسازند و آپارتمان کنند، باید هزینه زیادی بدهند که از عهده‌شان خارج است.» او البته مسأله مهم دیگری را مطرح می‌کند: «بسیاری از خانه‌هایی که



نرگس محرابیان
مدیر دفتر توسعه
محلی منطقه ۵

۷۳۲ هکتار بافت درگیر فرسودگی است

دفاتر توسعه محلی از مرکزی هستند که در زمینه بافت فرسوده و کمک به رفع این مشکل فعالند. «نرگس محرابیان» می‌گوید: «بافت فرسوده بافتی است که ۳ مشخصه را داشته باشد: نفوذناپذیر باشد، یعنی عرض معابرش زیر کمتر باشد. ریزدانه باشد و از لحاظ کالبدی فرسوده باشد. ۲۳ درصد بافت منطقه ۷ یا ۵ ناحیه و ۴۱ محله، جزء بافت فرسوده است. به معنای دیگر ۷۳۲ هکتار و ۱/۵ درصد کل منطقه فرسوده است که آمار چشمگیری است.» او که مدیر دفتر توسعه محلی ناحیه ۵ است، توضیح می‌دهد: «در این ناحیه، بیشترین بافت فرسوده در محورهای ارمانه، بازرگان، عروجی و سیلان است: «عمده مشکل هم این است که به دلیل عبور ۲ محور بزرگراهی، امام‌علی(ع) و شهید صیاد شیرازی، ارتباط محله با بقیه محله‌های هم‌جوار قطع شده است. این مسأله ما را در ارائه خدمات، به‌ویژه در زمان بحران، دچار مشکل می‌کند. از نظر محیط‌زیستی و بهداشتی هم به دلیل انباشت زباله‌ها در این نواحی که امکان تردد ماشین شهرداری وجود ندارد، دچار مشکل هستیم.» محرابیان می‌گوید مساحت قطعات در محله ارمانه چندان ریزدانه نیست. ولی نفوذناپذیر و فرسوده است: «۳۵ درصد پلاک‌ها در این محله فرسوده‌اند. ولی از نظر ریزدانی ۳۳ درصد زیر ۵۰ متر است. ۶۴ درصد بافت محله هم هر ۳ مشخصه فرسودگی یک بافت را دارند. یعنی هم ریزدانه‌اند، هم نفوذناپذیر و هم فرسوده.»

آن‌طور که او می‌گوید، قسمت شمالی محله کمتر بافت فرسوده دارد و در بخش مرکز بیشترین فرسودگی را می‌توان دید. محرابیان هم قبول دارد که کمک‌های تشویقی و کارهایی که برای رفع بافت فرسوده انجام می‌شد، حالا کمتر شده‌اند و عتش را هم نبود بودجه و شیوع کرونا می‌داند: «لان فقط می‌توانیم وام‌هایی با سود ۸ درصد بدهیم که چندان گشايشگر نیست». او، به‌رغم نظر شورایا محله، معتقد است که این دفتر در زمینه آگاهی‌رسانی فعالیت‌های مؤثری داشته است. محرابیان توضیح می‌دهد: «کمیته معیار را هم داریم که برای بازگشایی معابر با آنها صحبت کرده‌ایم. باید بعضی املاک این ناحیه خریداری شوند تا طرح تعریض انجام شود، اما به دلیل نبود بودجه فعالیت‌های این کار یک طرف، اما اطلاع‌رسانی درستی در این‌باره انجام نمی‌شود. در صورتی که کسانی هستند که اگر از خطرات این بافت فرسوده آگاه شوند، هرطور شده برای نوسازی اقدام می‌کنند.» او توضیح می‌دهد: «طرح‌های تشویقی دیگر وجود ندارد. زمانی هم که بود در حد حرف بود. من برای خانه خودم ۲ سال دنبال کار نوسازی بودم. گفتند فاضلاب و کنتور آب و برق رایگان می‌دهند که هیچ‌کدام اتفاق نیفتاد. در صورتی که اگر این کارها را بکنند، کسانی که زیر سقف‌های لرزان زندگی می‌کنند، به نوسازی تشویق می‌شوند.»



تصادفات سریالی

کسبه و اهالی می‌گویند تقاطع خیابان دهم و کاج
علائم راهنمایی و رانندگی و سرعتهگیر ندارد

مصومه حرقو

معمولا وقتی اسم تصادف می‌آید، ناخودآگاه یک خیابان

یا بزرگراه شلوغ در ذهنمان ترسیم می‌شود، اما گاه پای این تصادف‌ها به معابر فرعی شهر هم باز می‌شود، مانند تقاطع حادثه‌خیز خیابان دهم و کاج در محله جهاد. تقاطعی که به گفته همه کاسبان و اهالی محل، روزانه حداقل ۳ تا ۴ تصادف در آنجا رخ می‌دهد و پیگیری‌های اهالی و اعضای شورایاری تاکنون نتوانسته پای مسئولان شهری را به این موضوع باز کند. این در حالی است که اگر نقاط حادثه‌خیز شناسایی شوند، می‌توانند در کاهش تصادف‌های خسارتی تأثیرگذار باشند. ▶

دغدغه اهالی را پیگیری می‌کنیم

معاون حمل‌ونقل و ترافیک شهردار منطقه ۶ می‌گوید: «معیار تشخیص حادثه‌خیز بودن یا نبودن یک نقطه از بررسی الگوی تصادف‌ها به دست می‌آید، به‌عنوان مثال نوع آسیب ناشی از تصادف و اینکه جرحی، خسارتی یا فوتی باشد با وزن‌دهی متفاوت برای تأیید حادثه‌خیزی یک نقطه کارایی دارد.» محمد عندلیب» دربار پیگیری‌ها بابت مشکل اهالی ادامه می‌دهد: «این مشکل قبلا در جلسه‌هایی که با پلیس داشتیم مطرح شده ولی تقاطع دهم و کاج و تقاطع فتحی شقایق و کاج به‌عنوان نقاط حادثه‌خیز شناخته نشدند. با توجه به اینکه مشکل حادثه‌خیزی تقاطع هنوز دغدغه اهالی است و وظیفه ذاتی شهرداری نیز رسیدگی و برطرف کردن دغدغه شهروندان است، مجدد آن را پیگیری می‌کنیم. در جلسه‌ای که با پلیس خواهیم داشت اگر حادثه‌خیز بودن تقاطع مشخص و تأیید شود به‌طور حتم برای اجرای راهکارهای ایمن‌سازی اقدام خواهد شد.»

مخزن زباله؛ مانع دید رانندگان

«مجید اربابی» که در نزدیکی این تقاطع حادثه‌خیز مکانیکی دارد هم صحبت‌های گودروزی را تأیید می‌کند: «در محله تقاطع‌های زیادی داریم، اما در این تقاطع با پارک ماشین‌ها سر این خیابان، دید رانندگان مختل می‌شود. رانندگانی که از میدان شهناز به سمت میدان کاج یا از کاج به سمت فتحی‌شقایق با سرعت زیاد در حال عبورند، چون سرعتگیر یا چراغ و علائمی سر این خیابان وجود ندارد، متوجه این تقاطع نمی‌شوند و اکثرا تصور می‌کنند این کوچه، فرعی است.» یکی - دو تصادف شدید هم رخ داده که در یکی از آنها راننده موتورسیکلت تا دم مرگ رفت. اربابی با این توضیح ادامه می‌دهد: «با اینکه نشانی‌های این تقاطع بیشتر مالی است، ولی تصادف‌های جرحی شدید را هم در این تقاطع شاهد بوده‌ایم. حتی در مواردی به خودروهای پارک‌شده هم آسیب رسیده است.» این کاسب محله معتقد است وجود سرعتگیر رانندگان را مجبور به کم کردن سرعت می‌کند و در نتیجه از تصادف جلوگیری می‌شود.

اربابی مخزن زباله را هم عامل مهمی در وقوع این تصادف‌ها می‌داند: «مخزن زباله به علت جانمایی نامناسب مانع دید رانندگانی می‌شود که قصد ورود به خیابان اصلی را دارند. در روزهای بارندگی که ایسن مخزن را جابه‌جا و در میانه خیابان رها می‌کنند هم تصادف‌های بیشتری رخ می‌دهد.» این شهروند نبود علائم راهنمایی و رانندگی را هم یکی از کمبودهای این تقاطع عنوان می‌کند: «علائم راهنمایی و رانندگی سر این کوچه وجود ندارد تا نشان بدهد که پارک ممنوع است. در حاشیه این تقاطع هم ماشین‌های بزرگ پارک می‌کنند هم ماشین‌های کوچک‌تر و دید رانندگان را کاملا ر مختل می‌کنند، خصوصا خودروهای بار که باید برای بقالی‌ها بار خالی کنند. وقتی خودرو در حال خروج از کوچه است، از راست و چپ خود دید مناسب ندارد.»

به گفته اربابی، چندین بار از شهرداری و ارگان‌های مربوطه برای بازدید مراجعه شده، ولی بعد از این بازدیدها تقاطع خبری نمی‌شود. این در حالی است که این ۲ تقاطع شدیدترین تصادفات را دارند.

«مصطفی گودروزی» یکی از کاسبان محله، که بارها شاهد تصادف بوده علت این حادثه‌ها را بی‌احتیاطی و نبود علائم رانندگی می‌داند: «این مشکل به علت نبود سرعتگیر و علائم راهنمایی و رانندگی است. اگر مانعی وجود داشته باشد، خودروها با سرعت کمتری به خیابان اصلی وارد می‌شوند. هفته‌ای نیست که در تقاطع خیابان دهم و کاج شاهد تصادف نباشیم. البته تاکنون این تصادف‌ها ضرر جانی نداشته، ولی خسارت مالی زیادی به رانندگان وارد شده است.»

گودروزی می‌گوید: «این تقاطع، چون داروخانه و نانواپی و... تقریبا در یک محدوده متمرکز است، نسبت به دیگر تقاطع‌ها پرترافیک‌تر و شلوغ‌تر است. شورایاری‌ها مکرر پیگیری کرده‌اند، اما از سوی شهرداری هنوز برای رفع این مشکل اقدام نشده است. با شهردار قبلی هم صحبت شده بود، ولی مشکل همچنان به قوت خود باقی است.»



مصطفی گودروزی
کاسب محله

ناشنایی با وضعیت تقاطع

نایب رئیس شورایاری محله جهاد می‌گوید: «بارها درباره تقاطع کاج و دهم و تقاطع فتحی‌شقایق و کاج با شهردار سابق ناحیه در جلسه‌ها صحبت کرده و پیگیر رفغ این مشکل بوده‌ام. حتی برکه استشهادهم به شهرداری تحویل داده شده، اما می‌گویند با ترافیک و حمل‌ونقل باید صحبت کنند. در هر حال، هنوز راه به جایی نبرده‌ایم.»

به گفته «الهام حاجی‌حسینی»، اگر راننده‌ای از اهالی نباشد، به دلیل ناشانی با وضعیت این تقاطع، تصادف می‌کند. او ادامه می‌دهد: «شاید این تصور وجود دارد که شورایاری یا اهالی قصد بزرگ کردن این مشکل را دارند و این تقاطع چندان مسأله‌ساز نیست. عکس‌هایی که کاسبان و اهالی بارها از این تصادف‌ها ارسال کرده‌اند، گواه صحت این مشکل و گفته‌های ماست.»

سرعت رانندگان کنترل شده نیست

«مهدی بهمنش» یکی دیگر از کاسبان این خیابان است که اغلب تصادف‌ها جلو مغازه او اتفاق می‌افتد: «این تقاطع نیاز به سرعتگیر دارد. جای مخزن زباله را هم باید تغییر بدهند. انشایی این تقاطع به سمت پایین بریدی دارد و راننده‌ای که با سرعت در حال عبور است، اگر رانندگی خوبی هم داشته باشد، برای ورود به خیابان نمی‌تواند سرعت خود را کنترل کند. از طرف دیگر با توجه به شیب خیابان، اگر خودرو خلاص باشد، می‌تواند سرعت بگیرد. بنابراین، ماشین‌هایی که از بالا می‌آیند با سرعت وارد این خیابان می‌شوند و برای وارد شدن به خیابان مقابل با پیچیدن به سمت دیگر، کنترل خود را از دست می‌دهند.» بهمنش از پیگیری‌های بی‌نتیجه گلایه می‌کند و می‌گوید: «جوابی که به ما می‌دهند این است که باید بیمارستان یا مکان خاصی وجود داشته باشد تا سرعتگیر و چراغ برای خیابان تقاطع تعبیه شود. اما وقتی در هفته ۲ تا ۳ تصادف رخ می‌دهد، حتما مشکلی در این تقاطع وجود دارد.»



محمد عندلیب
معاون حمل‌ونقل
وترافیک شهردار
منطقه ۶



الهام حاجی‌حسینی
نایب رئیس شورایاری
محله جهاد



مهدی بهمنش
کاسب محله

خاطرات یک هم‌محله‌ای مبارز از خیزش مردمی در روزهای انقلاب

حکم تیر مرا داده بودند



بهاره خسروی گفتگو

◀ **انقلاب ۵۷** و مبارزات مردمی برای این پیروزی بزرگ، یکی از ماندگارترین رویدادهای سیاسی ایران در عصر حاضر است. انقلابی که بنیاد آن با جسارت و پشتکار مردم کوچک و خیابان جان گرفت. مردمی که برای کسب آزادی اندیشه، رفاه و زندگی بهتر دست از جان و مال شستند و به دل کوچک‌بسکوجه‌های شهر زدند و با بسردادن شعارهای ضدحکومتی و به قول امروزی‌ها نافرمانی مدنی به خواسته خود رسیدند و خاطرات ماندگاری برای نسل‌های بعد از خود به یادگار گذاشتند. در این گزارش نگاهی داریم به خاطرات شفاهی آن روزها به روایت «حسن توانا» از مبارزان انقلابی ساکن محله سلسبیل که در کوران انقلاب اسلامی از مبارزان دوآتشه بود و کارهای جالبی انجام داد.

با شعله‌ور شدن آتش انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ خورشیدی و با تغییر نگرش مردم به بسیاری از مسائل، نوسک تیز اعتراضات منوجه فعالیت مشروب‌فروشی‌ها و کارخانه‌های تولید آن شد. «حسن توانا» از اهالی قدیم محله سلسبیل و صاحب قهوه‌خانه وطن، قدیمی‌ترین قهوه‌خانه این محله، با بیان این مطلب تعریف می‌کند: «در دوران انقلاب یک تیم از مردم انقلابی تشکیل داده بودیم. تیمی که برای پیروزی انقلاب از هیچ محله سلسبیل و تلاشی دریغ نمی‌کرد. بسیاری از کارها را با هزینه شخصی انجام می‌دادیم. مردم نسبت به فعالیت‌های ضددینی حکومت واکنش نشان می‌دادند. یکی از این اعتراض‌ها به فعالیت مشروب‌فروشی‌ها بود. یک عده به‌صورت خودش از میدان راه‌آهن، خیابان کارگر امروزی، سره‌ا اکبرآباد و سره‌ا سلسبیل راهی شدند و هرچه مشروب‌فروشی در شهر بود تخریب می‌کردند. البته بیشتر صاحبان این مغازه‌ها از ترس تعطیل کرده بودند، اما مردم به همان مغازه‌های تعطیل‌شده هم هجوم می‌بردند و در و دیوار آنها را می‌شکستند. ۲ یا مغازه را هم در خیابان سلسبیل تخریب کردند.»

یکی از خاطرات جالب آقای توانا مصاحبه با

رادبو یی‌بی‌سی در همان روزهای داغ انقلاب و تخریب مشروب‌فروشی‌ها بود. او تعریف می‌کند: «آن زمان مریزندی محله‌ها مثل امروز نبود. برای مثال کارخانه آجوسازی شمس در خیابان کمیل که این روزها فرهنگسرای انقلاب شده، در همسایگی محله سلسبیل بود. مردم به این کارخانه هجوم بردند و آن را آتش زدند. چیزی نزدیک به ۸ تا ۱۰ خاور و کامیون بار این کارخانه در همین خیابان کمیل (باباییان قدیم) قطار شد و مردم همه را آتش زدند. من خودم در مسورد همین موضوع، به‌عنوان یک انقلابی، همان زمان با رادبو یی‌بی‌سی مصاحبه کردم.»

دوراهی قیان، امامزاده حسن(ع) و خیابان اردشیر به سمت خیابان ۱۶ متری امیری رفتند و از خیابان صاحب‌الزمان(عج) به خیابان کمیل و پارک باباییان و محل استقرار نظامیان رسیدند. بعد همان‌طور که ماشین نظامیان را در خیابان کمیل اسکورت می‌کردند به سره‌ا سلسبیل و مقابل مدرسه، روبه‌روی پمپ‌بنزین، رسیدند. شهید مسعود دلخواسته شعار مرگ بر شاه سر داد و سربازها تیراندازی کردند. مسعود شهید شد و بجز آن بر اثر تیراندازی کارگر پمپ بنزین «حسین بنزینی» و چند نفر از مردم هم در این تیراندازی به شهادت رسیدند.»

توزیع ساندویچ میان انقلابیون

به گفته حسن توانا، در جریان پیروزی انقلاب اسلامی، اهالی غرب تهران پرچمدار بسیاری از مبارزات مردمی خودجوش بودند. تأمین غذای مردم حاضر در تظاهرات از دیگر خدمات انقلابی همسایه ما بود. او تعریف می‌کند: «انقلابیونی که از جان می‌گذشتند و در تظاهرات شرکت می‌کردند نیازمند همیاری و کمک بودند. به همین دلیل به کمک اعضای خانواده‌ام، همسر و خواهرهایش بیش هزار ساندویچ تخم‌مرغ و سوسیس همراه با آب‌میوه یا نوشابه کوچک آماده می‌کردم و در خیابان آزادی، مقابل دانشگاه تهران میان انقلابیون پخش می‌کردیم تا خستگی تعقیب و گریز کم شود.»

چاپ عکس شهدای انقلاب اسلامی و توزیع آنها در بهشت زهرا(س) و میان مردم با هزینه شخصی از دیگر فعالیت‌های انقلابی همسایه ما در روزهای مبارزات مردمی برای پیروزی انقلاب بود.



قصه پیوستن نیروی هوایی به انقلاب و انقلابیون با روایت یک هم‌محله‌ای

کارکنان نیروی هوایی اعتصاب غذا کردند

امروز ۱۹ بهمن‌ماه روز پیوستن نیروی هوای به انقلاب مردمی ایران در بهمن‌ماه سال ۱۳۵۷ خورشیدی است. این روز در روزشمار انقلاب اسلامی به نام نیروی هوایی نامگذاری شده است. به همین بهانه، ما با ستوان یکم «جعفر پُژمان» از کارکنان بازنشسته نیروی هوایی و همسایه ما در محله سلیمانی، درباره ماجراها و اتفاقات جالب داخل پایگاه هوایی شکاری یکم در روزهای اوج پیروزی انقلاب اسلامی گفت‌وگو کردیم.

«در روزهای آخر مبارزات، ارتش هم به مردم پیوست، اما حضور نیروی هوایی به نسبت بزرگ‌تر دیده شد.» «جعفر پُژمان» همسایه ما در خیابان شهید سبحانی، با بیان این مطلب سر صحبت را باز کرد: «درگیری‌ها از دوشان‌تپه، مرکز آموزش‌های هوایی، شروع شد. دوران انقلاب در پایگاه یکم شکاری خدمت می‌کردم. از آن روزمانده به آمدن امام(ره)، ۹ یا ۱۰ روزمانه، پایگاه را تعطیل کردند. از پایگاه تازه به خانه رسیده بودم. آن زمان در خانه‌های سازمانی نیروی هوایی که بعدها به شهرک توحید تغییر نام داد، ساکن بودیم. پایین بلوک‌های ما خاکی بود. مشغول عوض‌کردن لباس‌هایم بودم که صدای شعار شنیدم. همکاران من همراه خانواده‌هایشان قصد تظاهرات و پیوستن به مردم را داشتند. قصد خروج از شهرک را داشتیم که دزدیانی ورودی مانع ما شد و فرماندهان را خبر کرد. اما چون جمعیت خشمگین و متعرض زیاد بود، بالاخره اجازه خروج از شهرک را دادند و همگی راهی خیابان آزادی شدیم.»

پُژمان در ادامه از پیوستن نظامیان پایگاه یکم شکاری به کارمندان نظامی صنایع هلی‌کوپترسازی تعریف می‌کند: «کارمندان نظامی این مجموعه انقلابی سر می‌دادند. دستور تیراندازی به مردم صادر شده بود. ما به مأمورانی که هنوز با اسلحه فقط می‌خواهیم یک پیمان‌نامه را قضا کنیم متفاوت می‌کنند، می‌گویند: «در این منطقه، خانه‌هایی وجود دارد که اصلاً از سبک کار گذار الگوبرداری شده‌است؛ سبکی که در واقع معماران تهران محسوب می‌شود. این معماران عده را جذب است. برای اینکه بیشتر از اینکه برون‌گرا باشد، مثل معماری‌های دوره قبل‌تر از جمله معماری‌های نئوکلاسیک یا قاجار، درون‌گراست. در دوره قاجار اگر کسی ساختمان

در منزل معمار فرانسوی معماری مدرن خودنمایی می‌کند

خانه پر رمز و راز موسیو گدار

شقایق عرفی‌نژاد گفتگو

◀ **خانه‌های ایرانیان تنها به دست معماران ایرانی ساخته نشده‌اند. معمارانی هم از کشورهای دیگر به این سرزمین سفر کرده‌اند و‌گاه مدتی مانده‌اند و عده‌ای هم آنقدر پاگیر شده‌اند که برای خود خانه ساخته‌اند.** «آندره گدار» فرانسوی یکی از این معماران است. خانه او در خیابان انقلاب، خیابان قدس و بین دانشکده‌های مختلف دانشگاه تهران، حالا کاربری دیگری دارد. این خانه، مثل بقیه املاک این راستا، جزو املاک دانشگاه تهران است؛ جایی که قرار بوده طرح «شهر دانش» در آن اجرا شود.



خانه ۳ طبقه دارد، کرم‌رنگ است با بالکن‌هایی وسیع که حالا در آنها میز و صندلی چیده شده است. در طبقه اول می‌توان طاق‌های گردی را دید که یکی از مشخصه‌های کارهای گدار در ایران است. این طبقه با پله‌هایی نه‌چندان پهن به طبقه بالا وصل می‌شود که حتماً اتاق‌هایی در آن بوده، اما امروز دیوارها را برداشته‌اند و فضای

یکپارچه‌ای ایجاد شده است. حیاط خانه بزرگ است و در میانه آن فرورفتگی مستطیل‌شکلی با حوضی در وسط وجود دارد که بعد از بازسازی درست شده است.

آغاز تفکر مدرن در معماری

دیدار از این خانه را «رضا موسوی» کارشناس مرمت آثار باستانی و تهران‌شناس، همراهی می‌کند. او در طبقه بالا، جایی که از پشت شیشه پنجره‌های بزرگ می‌شود حیاط و خیابان را دید، می‌گوید: «خانه‌هایی که در این منطقه معمارانه و قابل احترام ساخته شده‌اند، مربوط به اواخر دوره پهلوی‌اند. گشایش تهران از این منطقه شروع شده است. در این زمان گشایشی در شهر و شهرسازی اتفاق می‌افتد و معمارانی که صاحب ایده و نبوغند، مثل فروغی و وارطان یا لرزاده، آماده کارند و تهران می‌شروع به گسترش می‌کند. بدیهی است که در همین مناطق هم این اتفاق می‌افتد. چون در بافت قدیمی جا نیست و دور‌تر از آن هم بیابان است. بنابراین، نزدیک‌ترین جا به بافت قدیم که خیابانی ساخته شده، کار می‌کنند. منطقه جلالیه مالکی آن را می‌خرد و در نهایت هم باز به دولت واگذار می‌شود و دانشگاه تهران هم در همین محل ساخته می‌شود.»

آغاز معماری مدرن

او درباره ویژگی‌های خانه گدار که آن را از بناهای دیگر متفاوت می‌کند، می‌گوید: «در این منطقه، خانه‌هایی وجود دارد که اصلاً از سبک کار گذار الگوبرداری شده‌است؛ سبکی که در واقع معماری مدرن تهران محسوب می‌شود. این معماران عده را جذب است. برای اینکه بیشتر از اینکه برون‌گرا باشد، مثل معماری‌های دوره قبل‌تر از جمله معماری‌های نئوکلاسیک یا قاجار، درون‌گراست. در دوره قاجار اگر کسی ساختمان



مرمت همراه با تغییر کاربری

خانه گدار حالا چند سالی است که کاربری کافه دارد. «علی سلیمانی» از کارکنان کافه و مسئول هماهنگی‌های گروه، می‌گوید: «بنجا سال ۹۶ در حالی از دانشگاه تهران اجازه شد که سقف طبقات بالا ریخته بود و دانشگاه تهران قصد داشت این خانه تاریخی را تبدیل به پارکینگ دانشگاهی کند. در صحبت‌ها با دانشگاه تهران آنها را قانع کردیم که این ملک را به دلیل هویت تاریخی آنکه خودشان هم به آن ادعان داشتند، حفظ کنند.»

او درباره تعمیرات و تغییرات خانه می‌گوید: «خانه حدود ۸۵ سال پیش در یک طبقه ساخته شده است. از سال ۷۷ تا ۹۶ مخروبه بود، اما بعد از اینکه از دانشگاه تهران اجازه شد، مرمت شد. تمام تیرچه‌ها و بقیه مصالح به کار رفته برای مرمت چوبی‌اند، به‌جز ۲ ستون فلزی که در بالکن طبقه دوم برای تقویت سقف که فروریخته بود، اضافه شده است.»

او یک سال است اینجا را تحویل گرفته و اطلاعاتی از اینکه خانه زیر نظر چه نهادی مرمت شده است، ندارد، اما می‌گوید خانه در بازسازی اولیه یکسری تغییرات در المان‌ها داشته است. سلیمانی درباره حفظ و نگهداری خانه هم می‌گوید: «این کار به عهده خودمان است. میراث‌نظارتی ندارد و قدردانی هم بابت اینکه اینجا را حفظ کرده‌ایم از ما نشده است. در صورتی که حتی اجازه ندادیم تیرچه بلوکی که در طبقه بالا افتاده بود، حذف شود و به جایش فلز استفاده شود. همان را با مهاربندهای فلزی حفظ کرده‌ایم. بافت ساختمان حفظ شده است. یکسری کج‌سلیتگی‌ها در بازسازی البته وجود دارد که علتش بودجه‌ای است که از حد پیش‌بینی شده بیشتر شد. به همین دلیل، مثلاً مجبور شدند به جای پنجره‌های چوبی، پنجره‌های دوجداره طرح چوب کار بگذارند.»



و فعالیت داشته باشد. به نظرم شلخته مرمت شده است. نه با نوع مرمتی که شده مودرکم و نه طراحی که داخلش انجام شده است.»

او البته دایلی هم برای مخالفتش دارد: «الحاقاتی دارد که مربوط به دوره خودش نیست و اسمش را

می‌توانیم الحاقات زائد بگذاریم. قطعاً سقفی که می‌بینیم سقف این خانه نبوده است. سقف کاذب ایجاد شده است و کفپوش کاملاً بدلی است. یا باید کف اصلی بازسازی می‌شد یا اگر می‌خواستند پارکت شود، واقعاً باید پارکت می‌شد، نه اینکه به دلیل پایین آوردن هزینه‌ها ششبه آن را استفاده می‌کردند. اصولاً وقتی می‌خواهیم با هزینه کمتر جایی را مرمت کنیم، نباید از مصالح معماری در آن استفاده کنیم. این کار باعث می‌شود، کار قابل برگشت باشد.» او از شومینه استفاده‌شده در خانه هم انتقاد می‌کند: «تنگار شومینه را همین

۲ سال پیش از پل رومی خریداند. بدلی است. با پیش‌خوانی که کار شده مواقفم چون کارکرد دارد و چیزی هم نیست که ماندگار باشد. ولی وقتی در بنای این شومینه را کار می‌گذارید یا کف را به این شکل تغییر می‌دهید یا آجرچینی نادرست استفاده می‌کنید، به بنا صدمه می‌زند. تنها اتفاق مثبتی که افتاده این است که از فاجعه تخریب اینجا جلوگیری شده است. هرچند باز هم معتقدم اگر قرار است جایی بد مرمت شود، بهتر است فعلاً مرمت نشود.»

و اما گدار

آندره گدار که این‌نیم‌روز زمستانی مهلمان خانهاش هستیم، در دانشکده

هنرهای زیبای پاریس معماری و باستان‌شناسی خواند و سال ۱۳۰۷ در اوایل سلطنت پهلوی اول به ایران آمد. دلیل آمدنش در واقع درخواست ایران از او برای سازماندهی و مدیریت بخش باستان‌شناسی بود. او از سال ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۲ مدیر اداره موزه ایران، وزارت معارف بود و در کنار آن مدیریت اداره کل باستان‌شناسی ایران را هم به عهده داشت. پژوهش‌های متعدد، شناسایی و ثبت آثار فرهنگی ایران، تأسیس دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران و تدریس در همین دانشکده از مهم‌ترین کارهای گدار در این دوران است. موزه ایران باستان با الهام از طاق کسری یکی از کارهای مهم اوست و مطمئن باشیم اگر به شیراز سفر کرده‌اید حتماً یکی از آثارش را دیده‌اید: آرامگاه حافظ.

رضا موسوی می‌گوید: «گدار در بنای حافظیه به کاراکتر حافظ پرداخته است، در مورد موزه ایران باستان هم با اینکه فرانسوی است چیزی از خودنمایی او نمی‌بینید. او در این کار به معماری ایران ارجاع کرده است. او هم آوانگارد است و هم روشنفکر و هم مدرن و ترکیب اینهاست که او را به شخصیتی تبدیل می‌کند که بعد از صد سال می‌شود راجع به او حرف زد.»



دیدار با گروهی از زنان محله شیخ هادی که برای بهبود کیفیت زندگی و حل و فصل مشکلات اهالی تلاش می‌کنند

سه‌شنبه‌های گروه‌گشا

فاطمه عسگری نیا

شیخ هادی یکی از محله‌های قدیمی تهران است که از دیرباز تا به امروز همدلی، وحدت و همراهی اهالی قدیمی و بومی‌اش زیاندار عام و خاص بوده است. این روزها در محله شیخ هادی گروهی از بانوان محله دور هم جمع شده‌اند و با تشکیل گروه «پیدایش» می‌کوشند تا حال خود، همسایه‌ها و محله‌شان را خوب‌تر کنند. این گروه که فعالیت‌هایشان را از کلاس «راز شاد زیستن» آغاز کرده‌اند، حالا در دوره‌های هایشان به بررسی مسائل و مشکلات می‌پردازند؛ از چالش تفکیک زباله گرفته تا ساماندهی موتورسیکلت‌هایی که امان محله را بریده‌اند. آنها حتی برای فضای سبز محله و در و دیوار رنگ و رو رفته محله‌شان هم برنامه‌ریزی می‌کنند. آلاچیق بزرگ کنار دریاچه پارک شهر محل قرار هفتگی‌شان است. ما هم این هفته مهمان‌شان شدیم تا در گپ‌وگفتی دوستانه از فعالیت‌هایشان بشویم.

صبح روز سه‌شنبه هر هفته برنامه‌شان مشخص است: دوره‌ای در پارک شهر. محل قرارشان هم بزرگ‌ترین آلاچیق بوستان است. همه‌شان زیر سقف چوبی این آلاچیق قدیمی جمع می‌شوند؛ تمامی اعضای گروه پیدایش. زنان شاد و مادرانی سرزنده که البته این لیخند و سرزندگی را مدیون جمع گرم و صمیمی‌شان هستند.

در رأس این گروه «پریسا طباطبایی» قرار دارد. بانویی که با لیخند همیشگی و سرزندگی مثال‌زدنی‌اش می‌کوشد آن روز مشاور دیر آمد. مردم مراجعه می‌کردند و ما با توجه به تجارب شخصی خود در زندگی، مراجعان را راهنمایی می‌کردیم. این فعالیت ما به‌تازگی از چشم روان‌شناس نماند و ورودش به سرای محله شیخ هادی هم شنیدنی است: «درست ۱۰ سال پیش بود. آن زمان خبری از سرای محله به این شکل و شمایل نبود؛ در اتاقی کوچک، در زیرزمین مسجد، مجموعه‌ای از فعالیت‌های فرهنگی و هنری محله دنبال می‌شد. به پیشنهاد یکی از مسئولان وقت سرا، برای ثبت‌نام در دوره‌های آموزشی این مجموعه مراجعه کردم. درست است که تعداد کلاس‌های هنری بر دیگر کلاس‌ها غلبه می‌کرد، اما از آنجا که دوست داشتم حال دلم خوب شود در کلاس «دفع انرژی‌های منفی» ثبت‌نام کردم.»

پیش‌پیش‌پیش مدیر گروه پیدایش پریسا طباطبایی

بی‌اعتمادی بانوان محله به هم و برپه‌یز از تقویت پیوندهای دوستی و برقرار نکردن ارتباط

کلامی آنها با هم پریسا را به فکر فرو می‌برد که چرا زنان محله نباید از این فرصت برای ارتقای کیفیت زندگی خود استفاده کنند. عزمش را جزم می‌کند برای بهره‌مندی بیشتر از این کلاس به‌طوری‌که تمام دل‌خوشی هفت‌ماهش خلاصه می‌شود در کلاس‌های سه‌شنبه و این انگیزه کم‌کم او را در فعالیت‌های بسیاری محله پایند می‌کند: «حضور مستمرم در سرای محله باعث شد تا به پیشنهاد مدیر سرای محله،

ما بانوان محله شیخ‌هادی برای بهتر شدن حال محله‌مان آستین بالا زده‌ایم و با مطالبه حق شهروندی خود و سایر همسایه‌ها می‌کوشیم طعم خوب زندگی در محله را تجربه کنیم



این، مسابقه ضرب‌المثل‌های قدیمی را برگزار می‌کردیم. هر هفته یک ضرب‌المثل را انتخاب می‌کردیم و قرارمان این بود که اعضای کلاس باید درباره آن به تحقیق و پژوهش بپردازند و در جلسه بعد درباره یافته‌هایشان بحث و گفت‌وگو کنند. این کار باعث شد تا بانوان شرکت‌کننده در کلاس جذب مطالعه کردن شوند.»

در کلاس راز شاد زیستن خاله پریسا (طباطبایی) هم دختران جوان و نوجوان شرکت دارند، هم مادران جوان، هم مادر بزرگ‌های ۵۰-۶۰ ساله؛ زنانی که می‌کوشند زندگی شیرین‌تری را برای خود و همسایه‌ها بسازند: «۴ سال فعالیت‌هایمان را در کلاس راز شاد زیستن ادامه دادیم تا اینکه با ورود ویروس کرونا فعالیت‌های ما

خط ویژه اتوبوس شد. از دیگر اقدامات این گروه، ترویج فرهنگ همسایمداری و احیای این سنت ایرانی در محله شیخ هادی بوده است: «در گروه ما مشکل یک خانواده مشکل همه اعضای گروه است. مشارکت و همبستگی بانوان محله در گروه باعث شده تا ازدواج جوانان نیازمند در سایه کمک همسایه‌ها با دغدغه کمتری دنبال شود و مناسبت‌های سال را همسایه‌ها در کنار هم جشن بگیرند. خیلی از بانوان از افسردگی رنج می‌برند و ما تلاش کردیم تا دوباره به زندگی عادی خود برگردند و امروز در گروه همان بانوان به همون‌عان خود کمک می‌کنند.»

نگاه دقیق‌تر به محله



زهرا صادق‌زاده عضو گروه پیدایش

نیز کمی تحت تأثیر قرار گرفت اما تعطیل نشد. ما هنوز هر هفته دوره‌های سه‌شنبه خود را داریم و در کنار تلاش برای مقابله با استرس‌های زندگی شخصی، برای بهبود کیفیت زندگی در محله‌مان هم تلاش می‌کنیم. برای همین نام گروه را پیدایش گذاشتیم. گروه پیدایش در واقع مخفف عبارت پیشگامان یاری، دوستی، امید و یکرنگی شیخ هادی است.»

بانوان عضو این گروه در دوره‌های دوستانه‌شان مسائل و مشکلات محله را به بحث می‌گذارند و بررسی می‌کنند. از اقدامات خوب این گروه می‌توان به اجرای طرح «موتورسوار خوب» در محله اشاره کرد؛ طرحی که با پیگیری‌های گروه‌شان منجر به کاهش تردد موتورسواران از



بر زندگی شخصی، برای بهبود کیفیت زندگی در محله‌مان نیز تلاش کنیم.»

زهرا خانم امروز نگاه دقیق‌تری به محله قدیمی‌اش دارد: «شاید در گذشته مسائل و مشکلات محله برای ما بی‌اهمیت بود. فقط گلابه داشتیم و خودمان دست به کار نمی‌شدیم، اما امروز این‌طور نیست. ما بانوان محله شیخ هادی برای بهتر شدن حال محله‌مان آستین بالا زده‌ایم و با مطالبه حق شهروندی خود و سایر همسایه‌ها می‌کوشیم طعم خوب زندگی در محله را تجربه کنیم.»

جوانان در کنار مادران محله

در میان جمع مادرانی که در گروه پیدایش حاضر می‌شوند؛ شیوا جوان‌ترین عضو است؛ دختری ۲۲ساله که همراه مادرش در این دوره‌های حاضر می‌شود. او یک دختر جوان خوشمزگی از دوستان پذیرایی می‌کند. نامش «زهرا صادق‌زاده» است؛ مادر ۴ فرزند و این روزها مادر همه مادران محله: «حدود ۶ سال است در گروه پیدایش هستم. همیشه با مادران محله در محله‌های اجتماعی‌مان در محله با هم می‌شود. ما در این گروه مشکلات محله را بهتر می‌شناسیم.»



مبصر گروه

گروه پیدایش، مبصر هم دارد؛ «فرح بهزادپور» ۵۰ساله. یک سال می‌شود که به گروه پیدایش پیوسته. او از دوشنبه روز شماری می‌کند برای سه‌شنبه‌ها و دوره‌های دوستانه‌شان. «هیچ مشکلی در محله از چشم من دور نمی‌ماند. به محض مشاهده کوچک‌ترین مسأله عوامل ۱۳۷ شهرداری را در جریان می‌گذارم و تا رفع آن کوتاه نمی‌آیم. شهروندان باید حق شهروندی خود را مطالبه کنند و اگر ما به‌عنوان شهروند به مسائل محله خود بی‌تفاوت باشیم یک مدیر شهری نمی‌تواند برای رفع آنها برنامه‌ریزی کند.» ذره‌بین مبصر گروه برای دیدن مسائل و مشکلات شهری موجود در محله باعث شده تا اهالی تمامی مسائل را برای انتقال به شهرداری به او انتقال دهند.

تأثیرات مثبت گروه پیدایش در زندگی بانوان محله شیخ هادی رضایت خانواده‌ها را نیز در پی داشته است. «فرح بهزادپور» مادر ۲ فرزند است. او بعد از بزرگ شدن بچه‌هایش گوشه‌گیر شده بود و هرچند در ابتدا همسرش چندان موافق شرکت او در این کلاس‌ها نبود، اما امروز با دیدن نتایج مثبت و تأثیرات فوق‌العاده کلاس‌ها در کیفیت زندگی‌شان، خود مشوقی برای حضور فرح خانم در این دوره‌های شده است. بهزادپور با تعریف این تجربه ادامه می‌دهد: «زندگی آپارتمان‌نشینی و محدود شدن روابط همسایه‌ها با هم باعث شده تا اغلب زنان خانه‌دار با افسردگی دست و پنجه نرم کنند در حالی که ما در این گروه یاد گرفته‌ایم که بانوان یک محله می‌توانند تأثیر بسزایی در بهبود کیفیت زندگی داشته باشند. ما امروز به نوعی خود را مسئول محله می‌دانیم و برای همین سعی می‌کنیم به‌عنوان نقش‌آفرینان اصلی در بهبود زندگی شهری گام برداریم. برای نمونه به موضوع تفکیک زباله‌ها از مبدأ اشاره می‌کنم؛ موضوعی که اگر زنان شهر در آن مشارکت نکنند راه به جایی نمی‌برد. ما این کار را شروع کرده‌ایم و امیدواریم به نتایج چشمگیری برسیم.»

مری‌ورزش گروه

گروه پیدایش محله شیخ هادی یک مری‌ورزش کاربلد هم برای بانوان محله دارد. «مرجان لبافی مطلق» یکی از بانوان فعال در محله است که علاوه بر فعالیت در حوزه ورزش در پیگیری مسائل شهری و اجتماعی محله هم نقش پررنگی دارد. او می‌گوید: «یکی از مشکلات محله ما تردد موتورسواران از خطوط ویژه اتوبوس، پیاده‌راه‌ها و مسیر مدارس بود. برای رفع این مشکل علاوه بر انتقال درددل اهالی محله، به پلیس راهور و شهرداری در بخش اجتماعی و فرهنگی هم مراجعه کردیم. حتی در مدارس مسابقه نقاشی «موتورسوار برتر» را برگزار کردیم و جایزه‌ای هم به دانش‌آموزان محله دادیم.»



مرجان لبافی مطلق عضو گروه پیدایش



فرح بهزادپور عضو گروه پیدایش



گفت‌و‌گو با دختر زنده‌باد «محمدرضا حافظی»
رئیس جامعه خیران مدرسه‌ساز ایران

غم بزرگی که سبب هزاران خیر شد

👉 **بهاره خسروی**

◀ سعیدیا مرد نگو نام نمیرد هرگز/مرده آن است که ناشی به تکوینی نبرند. این بیت مصداق افرادی است که بی‌ادعا و مخلصانه برای اعتلا و توسعه کشور در مسیر خیررسانی و گره‌گشایی از مشکلات مردم قدم می‌گذارند. مرحوم دکتر «محمدرضا حافظی» رئیس جامعه خیران مدرسه‌ساز ایران، یکی از همین افراد بود؛ کسی که همیشه برای انجام کار خیر و نشتاندن گل لبخند بر چهره محرومان و نیازمندان پیشگام بود. مرحوم دکتر حافظی در کنار همه کارهای خیری که برای همشهریان‌ش در شهر بروجرد انجام می‌داد، پس از مرگ غم‌انگیز فرزندش در سانحه دلخراش رانندگی، برای آرامش و زنده نگه داشتن یاد فرزندش در مسیر مدرسه‌سازی گام برداشت. این مرحوم‌بانی ساخت مدرسه‌ای در خیابان طوس در پازل دهم پایتخت بود. به همین بهانه، با «شهره حافظی» دختر او، درباره ویژگی‌های اخلاقی این خیر مدرسه‌ساز گفت‌وگو کردیم. ▶

دست به خیر مثل آقای دکتر

«وقتی مدیر مدرسه دکتر حافظی شدم، گفتند دکتر سرش حسابی شلوغ است و به‌راحتی پاسخ تلفن نمی‌دهد. اما با نخستین تماس بدون هیچ انتظاری با دکتر ارتباط گرفتم و درباره مدرسه و حضورش در میان دانش‌آموزان صحبت کردم. جالب‌تر اینکه بدون هیچ تعللی پذیرفتم.» «پری مؤمنی» ۹ سال است که مدیریت مدرسه پسرانه دکتر حافظی را عهده‌دار است. او با تعریف این ماجرا می‌گوید: «ماجرا را برای دکتر تعریف کردم. پاسخ دادند که داخل جلسه بوده‌اند و وقتی تلفنشان زنگ می‌خورد حسی به‌شان می‌گوید که تلفن را از دست منشی بگیرند و پاسخ دهند. دکتر پای ثابت بیشتر برنامه‌های مدرسه بود. اغلب دانش‌آموزان را تشویق و برای آنها صحبت می‌کرد. پایه‌پای آنها در حیاط مدرسه با بچه‌ها قدم می‌زد. به یاد ندارم از این کار خسته شده باشد. با حوصله و مهربانی دفاتر دانش‌آموزان را امضا می‌کرد.» مؤمنی در ادامه به خاطره جالبی درباره الگوپذیری دانش‌آموزان مدرسه از رفتار دکتر حافظی اشاره می‌کند: «یک‌بار در مدرسه برنامه ویژه داشتیم و دکتر مهمان ما بود. در این مراسم به یکی از بچه‌ها برای تشویق تراول جلد هدیه کردند. آن دانش‌آموز بعد از دریافت هدیه به دفتر مدرسه آمد و تقاضای پاکت کرد. بعد پول را داخل پاکت گذاشت و گفت: دوست دارم مثل آقای دکتر خیر باشم. این پول را برای کمک به مدرسه از من قبول کنید.» مؤمنی در پایان اضافه می‌کند: «وقتی دکتر بیمار بود برای عیادت به بیمارستان رفتم. بغض گرفته بود. صدام زد و گفت: چه باشم و چه نباشم، دعای خیرم چا شماست.»

آیین خویان

◀ یکشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۹ • شماره ۷۹۰



را که تازه برای سکونت خریده بود، بفروشد و پول آن را برای ساخت مدرسه‌ای به نام «امیرحسن حافظی» در شهر بروجرد اختصاص دهد.» شهره خانم ادامه می‌دهد: «مدرسه‌سازی باعث شد تا پدر جانی دوباره بگیرد. او می‌گفت اگر من یک فرزند را از دست دادم مدرسه‌سازی باعث شده تا شاهد رشد و شکوفایی فرزندان دیگری شوم و با این اقدام می‌توانم فرزندان بسیاری به دست بیاورم. پدر هر روز با عشق فراهم کردن شرایط امکان تحصیل برای کسانی که امکان ادامه تحصیل در شهر و محله زندگی‌شان نداشتند به محل کارش می‌رفت و هر روز دایره فعالیت‌هایش را بیشتر می‌کرد.»

دوشادوش پدر در امور خیریه

مرحوم حافظی از وقتی که چشم باز کرد همه خانواده اهل کار خیر بودند و او نیز در این مسیر سهمی شد. به گفته خانم حافظی، پدرش در تمام بنیادهای نیکوکاری شهر بروجرد حضوری فعال و سازنده داشت و برای انجام کار خیر از هیچ کمکی حتی کارهای به‌ظاهر ساده دریغ نمی‌کرد.

◀ **هجرت به تهران و تأسیس انجمن بروجردی‌ها**

دکتر حافظی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی همراه خانواده و پدر به تهران مهاجرت می‌کند. از آنجا که اهل بیگار ماندن و دور شدن از فضای کارهای خیر نبود، انجمن بروجردی‌های مقیم تهران را تأسیس می‌کند تا در دل فعالیت‌های این انجمن دوباره فعالیت‌های خیریه‌ای زسرگرفته شود. شهره حافظی در این‌باره توضیح می‌دهد: «با راه‌اندازی انجمن بروجردی‌های مقیم تهران، فعالیت‌های پدرم دوباره شروع و رسیدگی و حل مشکلات بروجردی‌های ساکن تهران همه دغدغه و اهم فعالیت‌های پدرم شد تا همشهریان‌ش، چه در پایتخت و چه در زادگاهش، بتوانند در آرامش و آبادانی زندگی کنند.»

◀ **پرواز فرزند به آسمان ابدیت و مدرسه‌سازی**

مرحوم دکتر حافظی ۴ فرزند؛ ۲ دختر و ۲ پسر داشت، اما سال ۱۳۷۵ «امیرحسن» یکی از فرزندان دکتر، در سانحه تصادف رانندگی از دست می‌رود. این غم بزرگ باعث می‌شود تا دکتر برای تسکین و آرامش اهل خانواده در راه مدرسه‌سازی گام بردارد. شهره حافظی با پادی از برادر تعریف می‌کند: «برادرم فقط ۲۸ سال داشت که برای ماه عسل همراه همسرش راهی سفری بی‌بازگشت شدند و بر اثر تصادف هر دو آنها را از دست دادیم. این ماجرا غم بزرگی بر دل همه ما برجا گذاشت. قبول مرگ برادر برای ما و فرزند برای پدرم کار چندان سسهاده‌ای نبود. در همان روزها پدر تصمیم گرفت تا برای آرامش همه خانواده، خانهای

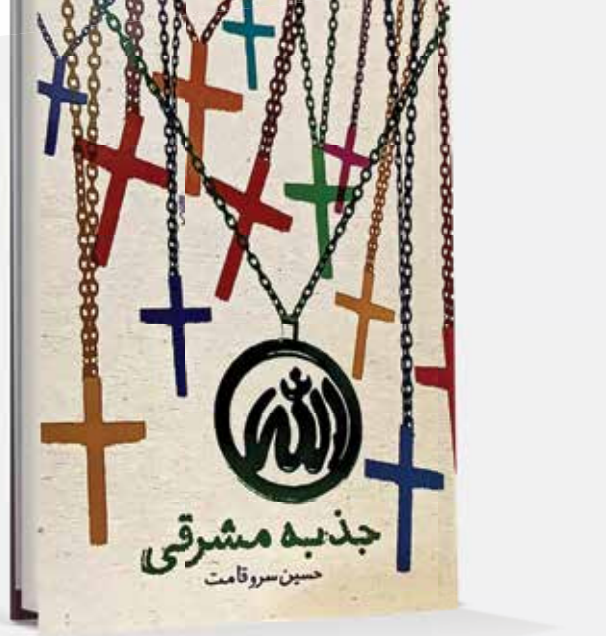
مدرسه

دکتر حافظی

سال ۱۳۹۰ مدرسه فرسوده وحدت در خیابان طوس به همت مرحوم دکتر حافظی نوسازی شد و نامش به نام این مرد خیر نیکوکار تغییر کرد. مدرسه دکتر حافظی ۹ کلاس دارد و در مقطع دوره اول ابتدایی از کلاس اول تا چهارم ۳۱۶ دانش‌آموز در آن تحصیل می‌کنند. وجود اتاق سایت هوشمند، کلاس و کتابخانه هوشمند، تجهیز هر کلاس به کتابخانه از مهم‌ترین امکانات این مدرسه برای دانش‌آموزان منطقه ۱۰ است.

◀ آینده‌سازان ایران زنده است.»

◀ یکشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۹ • شماره ۷۹۰



گفت‌و‌گو با نویسنده کتاب «جذبۀ مشرقی»
که به تازگی در فرهنگسرای خانواده رونمایی شد

اسلام از چشم نو مسلمانان

👉 **معصومه ح‌ق‌جو**

◀ **چطور انسان می‌تواند از دین خود دست بردارد و آن را تغییر دهد؟ چه چیزی مشاهده می‌کند که تصمیم می‌گیرد دین خود را تغییر دهد؟! «حسین سروقامت» در کتاب «جذبۀ مشرقی» با قلم شیوای خود به این سؤال‌ها درباره افرادی که به دین اسلام پیوسته‌اند، پاسخ داده است. او متولد ۱۳۴۳ است و ۲۰ سال از عمر خود را صرف تحصیل در حوزه علمیه تهران کرده و در رشته علوم سیاسی هم مدرک کارشناسی دارد. تاکنون ۱۷ اثر از او روانه بازار کتاب شده است. «شرح اسم ماه» آخرین اثر اوست که جلد دوم آن به‌زودی منتشر می‌شود. سروقامت، علاوه بر نویسندگی، در دانشگاه هنر و دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی هم تدریس می‌کند. با او درباره آخرین اثرش که به‌تازگی در فرهنگسرای خانواده رونمایی شد، گفت‌وگو کرده‌ایم. ▶**

◀ **«جذبۀ مشرقی» از چه چیزی صحبت می‌کند؟**

این کتاب از جاذبه‌های اسلام صحبت می‌کند. در واقع به دنبال بیان این جاذبه‌ها بودم نه از زبان کسانی که در کشورهای اسلامی زندگی می‌کنند، بلکه از نگاه و زبان تازه‌مسلمان که از بیرون به اسلام نگاه کرده‌اند. انسان‌ها اگر قرار باشد چیزی را در زندگی خود تغییر دهند، مکتب و دین آخرین گزینه است، ممکن است محل زندگی یا شغل خود را عوض کنند یا حتی تصمیماتی برای خانواده‌شان بگیرند، اما معمولاً به‌راحتی از عقاید و دین خود جدا نمی‌شوند؛ این موضوع در طول تاریخ وجود داشته است. کتاب «جذبۀ مشرقی» پیش از آنکه به کتاب تبدیل شود طی دوره‌ای چندساله در مجله‌های «پیام زن» و «راه رشد» هم منتشر شده بود.

◀ **چه تفاوتی در نگاه تازه‌مسلمانان با کسانی که در کشوری اسلامی زندگی کرده‌اند،**



برای پیشگیری و قطع زنجیره انتقال بیماری «کووید - ۱۹» از سوی شرکت مترو تهران

اجرا شد

تست رایگان ۲۰دقیقه‌ای کرونا در مترو

👉 **بهاره خسروی**

ناوگان حمل‌ونقل عمومی، به‌ویژه مترو، به دلیل حجم زیاد جابه‌جایی مسافر، یکی از حساس‌ترین مکان‌ها برای انتقال بیماری «کووید - ۱۹» میان شهروندان محسوب می‌شود. به همین منظور برای پیشگیری و همچنین درمان این بیماری، مترو تهران یکی از نهادهای پیش‌گام در آموزش شهروندی است. چند وقتی است که برای قطع زنجیره انتقال بیماری کرونا میان شهروندان، طرح تست رایگان ۲۰دقیقه‌ای تشخیص بیماری کرونا در ۲ ایستگاه شوش و علی‌آباد اجرا می‌شود. طرحی که با استقبال شهروندان چندین بار تعدید شد و همچنین به مناسبت ایام دهفجر در ایستگاه‌های محمدشهر، کرج و گلشهر هم اجرا می‌شود. به همین بهانه، با «سید مجتبی تقوی‌نژاد» معاون فرهنگی و اجتماعی شرکت مترو تهران درباره جزئیات آن گفت‌وگو کردیم.

ضرورت آموزش رعایت پروتکل‌های بهداشتی

مترو تهران نخستین نهاد شهری بود که قبل از اجباری شدن قانون استفاده از ماسک، بعد از شیوع بیماری «کووید - ۱۹»، پیش‌شرط استفاده مسافران از مترو را استفاده از ماسک عنوان کرد. «سید مجتبی تقوی‌نژاد» با اشاره به این موضوع می‌گوید: «از زمان همه‌گیری بیماری کرونا، شرکت مترو تهران با آموزش‌های همگانی و همکاری با نهادهای مختلف برای آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی به مسافران تلاش کرد تا شهروندان کمتر در معرض آسیب‌های این بیماری مهلک قرار بگیرند، چراکه روزانه حجم انبوه مسافران از طریق همین مترو تهران جابه‌جا می‌شوند و سفرهای درون‌شهری را انجام می‌دهند و حذف یک بیمار از زنجیره انتقال بیماری به مهار گسترش بیماری کمک می‌کند.»

راه‌اندازی ایستگاه تست رایگان

انجام تست کرونا در ایستگاه مترو در ظرف یک دقیقه انجام می‌شود. بعد از انجام تست، اطلاعات افراد، مانند کد ملی، شماره تماس و سابقه بیماری و مواردی از این دست، گرفته می‌شود. برای اعلام نتیجه هم ۲۰ دقیقه زمان نیاز است. اگر فردی عجله داشته باشد می‌تواند از ایستگاه خارج شود و در صورت مثبت بودن پاسخ تست از طریق شماره تلفن ۴۰۳۰ به او اطلاع داده می‌شود.

تقوی‌نژاد با بیان این نکات توضیح داد: «با مدیرعامل شرکت شهر سالم مذاکراتی داشتیم و به این نتیجه رسیدیم که در ایستگاه‌های مترو می‌توانیم فضایی را برای انجام تست رایگان فراهم کنیم. در ادامه با همکاری دانشگاه علوم پزشکی در ۲ ایستگاه شوش و علی‌آباد به‌صورت آزمایشی طرح یادشده از ۲۰ دی‌ماه شروع شد. تصمیم ما اجرای یک‌هفته‌ای طرح بود، اما با استقبال خوب شهروندان اجرای طرح چند بار تعدید شد. به مناسبت ایام دهفجر نیز همین طرح در ایستگاه‌های محمدشهر، کرج و گلشهر با همکاری دانشگاه علوم پزشکی البرز اجرا می‌شود.»

همکاری با نهادها برای تداوم طرح

یکی از ویژگی‌های مهم این طرح در دسترس بودن آن برای شهروندان است. در واقع برای انجام این تست حتما لازم نیست که مسافر مترو باشید. در صورت بروز علائم اولیه ایسن بیماری می‌توانید با مراجعه به این پایگاه‌ها در ایستگاه‌های یادشده از سلامت خود اطمینان خاطر کسب کنید. معاون فرهنگی و اجتماعی مترو تهران در ادامه افزود: «به‌طور میانگین در روز ۷۰ تا ۸۰ نفر برای انجام این تست به ایستگاه مترو مراجعه می‌کنند. اگر وزارت بهداشت و سایر نهادها یادشده از مترو این فضا را داریم تا اجرای تست کرونا در همه ایستگاه‌های تهران اجرا شود. ما فضا را در اختیار ارگان‌ها قرار می‌دهیم و همچنین کارهای اطلاع‌رسانی را انجام خواهیم داد.»



مناطق ۱۰، ۷، ۶، ۵، ۴، ۳، ۲، ۱
پهنه مرکزی
 شهر تهران

● **صاحب امتیاز:** مؤسسه همشهری
 ● **سر دبیر:** مهدی علیپور
 ● **مدیر هنری:** کامران مهرزاده
 ● **مدیر تحریریه:** سروش جنبانی
 ● **تحریریه:** فاطمه عسگری نیا
 ● **بهاره خسروی / فاطمه عرفی نژاد**
 ● **معمومه حق جو / فرزین شیرزادی**
 ● **صفحه آرایی:** محمدرضا محمدی تاش / علی حسینی / امیلاد رفاقتی
 ● **فاززه توکلی**
 ● **حروفچینی و تصحیح:** منیژه خسروآبادی / اعظم آجوربندیان / فهیمه شیرازی

● **نشانی:** خیابان ولی عصر (عج) نرسیده به پارک وی کوچه تورج پلاک ۱۴ ● **کد پستی:** ۱۹۶۶۵۳۳۸ ● **صندوق پستی:** ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ ● **تلفن:** ۲۳۰۲۳۱۰۰ ● **دورنگار:** ۲۳۰۲۳۴۸۸

هویت

بهاره خسروی

هنر در خانه

تصدیق شاطری چگونه دریافت می‌شد؟



درست در همین آخرین روزهای بهمن‌ماه سال ۱۲۸۶ خورشیدی بود که محمدعلی شاه قاجار برای گردش و تفریح راهی دوشان تپه می‌شود، اما وقتی چرخ‌های کالسکه این پادشاه فجری در خیابان سعدی، مقابل باغ‌وحش تهران، چرخید، ۲ نارنجک به سمت کالسکه‌اش پرتاب می‌شود. البته شاه از این سوءقصد جان سالم به در می‌برد و یک عده بخت‌برگشته هم که عموماً از مردم و سربازان محافظتی شاه بودند کشته و زخمی می‌شوند. شاه از این ماجرا حسابی خشمگین می‌شود و والی تهران و یک عده از شاطران همراهش را تنبیه می‌کند. اما حکایت این شاطران که بیشتر از همیشه مورد غضب شاه قرار گرفتند، چه بود؟ شاطران مردان تندپایی بودند که به شاه خدمت می‌کردند. این افراد را در دوره

صفویه شاطر و در دوره قاجار فراش خطاب می‌کردند. این مردان معمولاً لباس قرمز بر تن داشتند و پیشاپیش اسب شاه و رجال بزرگ حکومتی می‌دویدند و با یک چوب‌دستی بلند راه را برای عبور از میان مردم باز می‌کردند. در زمان شاه‌عباس صفوی «پیتردالواله» جهانگرد مشهور ایتالیایی، در سفری که به ایران داشت درباره شاطران می‌نویسد: «شاطر وظیفه نامهرسانی را عهده‌دار است و اغلب در جلو اسبان حرکت می‌کند. آنها کلاه پردار بر سر و زنگوله‌هایی بر کمر دارند که از صدای آنها در هنگام حرکت، مردم کنار می‌روند و راه برای آنها باز می‌کنند. این افراد از همان دوران کودکی تمرین‌هایی برای تند راه رفتن و دویدن دارند و بعد از گرفتن امتحان، استاد می‌شوند و تصدیق یا منشور شاطر دوانی که غالباً شغلی مورثی بود دریافت می‌کنند.» البته این شاطرها سلسله‌مراتبی داشتند. برای مثال، به رئیس شاطران دربار شاطرباشی می‌گفتند و در عهد قاجاریه وجود این شاطرها در مراسم استقبال از سفیران خارجی رسم بود. با انقلاب مشروطه و ورود اتومبیل کم‌کم استخدام شاطر از میان رفت.

تئاتر

تئاتر «مرد میدان» در میدان امام حسین (ع)



آشنایی با تاریخ انقلاب اسلامی و مبارزات مردمی برای به ثمر رسیدن نهال انقلاب یکی از درس‌های ماندگار تاریخ ایران است و برای انتقالش به نسل جوان از ابزارهای مختلفی استفاده شده است. یکی از این ابزارها نمایش است. به همین مناسبت، همزمان با فرارسیدن سالروز پیروزی انقلاب اسلامی، تئاتر خیابانی «مرد میدان» در میدان امام حسین (ع) اجرا می‌شود. موضوع این نمایش درباره تلاش‌ها و مبارزات مردمی برای سرنگونی رژیم شاهنشاهی است و از سوی فرهنگسرای عترت برگزار می‌شود. شهروندان برای تماشای این نمایش می‌توانند سه‌شنبه ۲۱ بهمن‌ماه ساعت ۱۶ در میدان امام حسین (ع) حاضر باشند.

یار مهربان

کتاب‌های انقلابی

اگر علاقه‌مند به مطالعه در تاریخ انقلاب اسلامی و آثار نویسندگان مطرح در این حوزه هستید، تماشای برنامه معرفی کتاب‌های انقلابی فرهنگسرای قرآن را به شما توصیه می‌کنیم. در این برنامه که از سوی کتابخانه هدای فرهنگسرای قرآن تدارک دیده شده است، کتاب‌های انقلابی برای پژوهشگران، دانش‌آموزان، دانشجویان و محققان تاریخ انقلاب معرفی می‌شود. برنامه یادشده روز ۲۱ بهمن در فضای مجازی فرهنگسرای قرآن منتشر می‌شود.

تاریخ شفاهی

حواریون انقلاب در باغ‌موزه قصر



ویژه‌برنامه «حواریون انقلاب» فتوکلیپ‌هایی از خاطرات هموطنان زندانی سیاسی است که جزو اقلیت‌های دینی بوده‌اند. این برنامه که از سوی باغ‌موزه قصر تهیه و تولید شده است به خاطرات و تاریخ شفاهی مبارزان سیاسی پیش از انقلاب اسلامی از این زندان قدیمی که این روزها تبدیل به باغ‌موزه قصر شده پرداخته است. در این برنامه چهره‌های سرشناس سیاسی خاطرات تاریخی خود را از دوران مبارزه با حکومت پهلوی روایت کرده‌اند. برای تماشای برنامه حواریون انقلاب می‌توانید به فضای مجازی و اینستاگرامی باغ‌موزه قصر سر بزنید.

راهنما

موزه عبرت

یکی از سیاسی‌ترین و پندآموزترین موزه‌های تهران موزه عبرت در حوالی میدان مشق قدیم است. بنای این موزه در دوره رضاشاه توسط آلمانی‌ها در سال ۱۳۱۱ خورشیدی ساخته شد. در ابتدا این موزه به‌عنوان مدرن‌ترین زندان زنان مورد استفاده قرار گرفت، اما کمی بعد به‌عنوان زندان مشترک ضدخرابکاری برای زندانیان سیاسی مبارز مورد استفاده قرار گرفت؛ کمیته‌ای که با همکاری شهرداری و ساواک اداره می‌شد. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بنای این زندان زیر نظر سازمان میراث فرهنگی بازسازی و آسیب‌شناسی شد تا در نهایت در بهمن‌ماه سال ۱۳۸۲ به‌عنوان موزه عبرت به بهره‌برداری رسید. تماشای این موزه به علاقه‌مندان مطالعه و تحقیق به تاریخ انقلاب اسلامی ایران و مبارزات سیاسی مردم برای به بار نشستن نهال انقلاب توصیه می‌شود. موزه عبرت در میدان امام خمینی (ره)، ابتدای خیابان فردوسی، خیابان کوشک مصری، خیابان شهید یارمانی، پلاک ۱۱ واقع شده است. برای کسب اطلاعات بیشتر با شماره ۶۶۷۲۲۰۹۶ تماس بگیرید.



آشنایی با تکنیک‌های فن بیان

«بیان» ابزاری برای ارتباط با مخاطب، چه فردی و جمعی، است. برقراری یک ارتباط مؤثر فقط محدود به صحبت با زبان مادری نیست. برای ایجاد اثرگذاری کلام و بیان، نیازمند آشنایی با تکنیک‌هایی از لحاظ گفتاری از جمله لحن صدا، برد کلام، شفافیت و وضوح کلمات هستیم. کسب این مهارت‌ها نیازمند مجموعه‌ای از تمرین‌ها و آشنایی با



رضا تفکری
 مدرس فن بیان
 فرهنگسرای سرو

تکنیک‌هاست. «رضا تفکری» مدرس فن بیان فرهنگسرای سرو، چند تکنیک اولیه و کلیدی فن بیان را آموزش می‌دهد.

نکات طلایی تأثیرگذار در بیان

- با لحن یکنواخت حرف نزنیم.
 - قبل از صحبت کردن درباره یک موضوع از ویژگی‌های سوزده مورد نظر برای مخاطب بگویید. (این کار ذهن مخاطب را برای شنیدن مطالب آماده می‌کند.)
 - سریع صحبت نکنیم.
 - در هر صحبت یا گفت‌وگو حداقل یک داستان کوتاه تعریف کنید.
 - انرژی کلامی خودتان را تقویت کنید.
 - هر روز ۳ واژه جدید یاد بگیرید.
 - طرز بیان و قدرت صدای ما میزان اعتماد به نفس و استواری ما را نشان می‌دهد.
 - داشتن یک صدای قوی و رسا نخستین قدم برای رسیدن به فن بیان حرفه‌ای و تأثیرگذار است.
 - اگر می‌خواهیم صدای قوی و تأثیرگذار داشته باشیم به ۳ نکته باید اهمیت دهیم.
- ۱) تنفس صحیح (تنفس صحیح یعنی هنگام دم و بازدم شانه‌ها و سینه عقب و جلو نرود. همچنین تنفس صحیح نقش مهمی در تقویت طنین صدا، افزایش برد صدا و رفع لرزش صدا دارد.)
 - ۲) تمرینات صداسازی
 - ۳) تقویت اندام‌های گفتاری

